ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۸۸۵۰۱۳۰۰_۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

سه شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۹- شماره ۶۷۲۲

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

WWW.INN.IR

info@inn.ir

دیگر رسانه‌ها

«مو» از خودمونه، دست از سر کارخانه «ای‌اف‌سی» برداریم!

میزبانی ایرانی‌ها در جام باشگاه‌های آسیا به عربستان و هند رسید و بحرینی‌ها هم میزبان تیم ملی ایران شدند. بعد از اعلام این خبر، صدای وامظلومای اهالی فدراسیون و فوتبال به آسمان رفت.

رفتارتکراری و گلایه از نفوذ کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و درخواست از وزارت خارجه برای کمک به فدراسیون تنها کاری بود که ما انجام دادیم.

خودمان هم می‌دانیم کارهایی که کرده‌ایم هیچ کمکی به ما نخواهد کرد و تیم‌های ما مجبور هستند راهی عربستان و بحرین شوند؛ دو کشوری که رابطه سیاسی خوبی با آنها نداریم.

خسته نشدیم از این همه ناله از نفوذ کشورهای عربی در آسیا؟ فکر نمی‌کنیم این وسط بی‌درایتی و بی‌مسئولیتی مسئولان فدراسیون فوتبال نقش بیشتری در این داستان دارد؟

نمی‌شود از زمینی که نه چاه آب دارد نه در آن منطقه باران می‌بارد، انتظار برداشت هندوانه داشت. با وضعیت فدراسیون فوتبال همین که در مسابقات حضور داریم باید هزار بار خدا را شکر کنیم.

بهتر است دست از ناله کردن برداریم و فکری به حال خودمان کنیم. ما فقط در ادعا کردن اول هستیم. بهترین تیم آسیا، بهترین تماشاگران دنیا، بهترین ورزشگاه‌های خاورمیانه و...

همیشه به دنبال بهانه می‌گردیم در حالی که مهم‌ترین مقصر در خانه خودمان نشسته است. داستان ویلموتس را به یاد بیاورید تا بدانید با چه سیستم فشل و فرافکنی روبه‌رو هستیم.

اگر عرضه دارید بروید و مثل عربستان، بحرین و قطر با ای‌اف‌سی معامله و لابی کنید و میزبانی بگیرید. اگر توان ندارید و نمی‌توانید کاری کنید، لطفاً روضه نخوانید و بی‌عرضگی خود را گردن دیگران نیندازیم.

داستان وقتی جالب می‌شود که فدراسیونی که توانایی گرفتن میزبانی بازی‌های گروهی باشگاه‌های آسیا را ندارد، ادعای میزبانی جام ملت‌های آسیا را دارد و سعی می‌کند با کارهایی مثل این ناکارآمدی خود را به حاشیه ببرد.

در سینمایی «مسخره باز» شاپور با بازی (بابک حمیدیان) در یک سلمانی کار می‌کند و هر روز هم تن ماهی می‌خورد. او وقتی تن را باز می‌کند در آن مو پیدا می‌کند و به کارخانه سازنده زنگ می‌زند. کاظم خان با بازی (علی نصیریان) که صاحب مغازه است هم هر روز خطاب به شاگردش می‌گوید: «مو از خودمونه شاپوووورو! دست از سر این کارخونه بدبخت وردار! زندگیمونو مو رو داشته!»

حالا ما هم باید داد بزنیم و بگوییم دست از سر ای‌اف‌سی برداریم که اشکال از خود ماست. اگر نتوانیم به وضعیت فدراسیون فوتبال سامان بدهیم و قدرت خود را در آسیا بیشتر کنیم، مدام باید قربانی لابی‌های کشورهای دیگر شویم.

نه تنها در فوتبال بلکه در سیاست و اقتصاد هم باید تعداد دوستان‌مان را بیشتر کنیم و قدرت لابی‌مان را بالا ببریم که بدون این دو ابزار باید همیشه نالان باشیم و آه و گریه کنیم.

(این مطلب بیشتر در سایت عصر ایران منتشر شده)

عکس روز

رابونای لاملا

حتی از روی عکس هم می‌توان متوجه شد که این ضربه اریک لاملا نباید گل شود اما آنهایی که شنبه شب بازی آرسنال و تاتنهام را دیدند حتماً می‌دانند که ضربه رابونای بازیکن آرژانتینی از آن فاصله و زاویه بعید، به تور دروازه توپچی‌ها چسبید. لاملا چهره اصلی بازی دربی شمال لندن بود. این گل فوق العاده را زد و بعد در نیمه دوم اخراج شد تا تاتنهام ۱۰ نفره شود. شاید برای‌تان جالب باشد که بدانید او در لیست ابتدایی مورینیو نبود و همه این اتفاقات را به عنوان بازیکن تعویضی رقم زد!

طنزیم

هومن جعفری

مصاحبه‌های مشابه

بازیکنان لیگ‌های عربستان برای اولین بار در زندگی‌شان با تأخیر حقوق گرفته‌اند و روی همین حساب، حسابی با باشگاه‌های‌شان وارد دعوا شده‌اند. در همین زمان پیشکسوتان فوتبال عربستان واکنش‌هایی نشان داده‌اند که با هم می‌خوانیم:

سعد الدوساری: متأسفانه بازیکنان امروز بسیار پولکی شده‌اند. زمانی که ما بازی می‌کردیم از این پول‌ها نبود وگرنه من خودم شخصاً دو، سه میلیون ریال می‌ارزیدم. الان بازیکن شب‌ها قلیان می‌کشد یا با همسر چهارمش می‌رود بیرون، تیمش فردا نابود می‌شود. بعد بازیکن می‌خندد. تعصب ندارند که!

خالد شراحیلی: زمانی که ما در الهلال بازی می‌کردیم این هله هوله‌های امروزی هنوز پمپرز پایشان نبود اما الان حقوقشان دو روز دیر می‌شود اعتراض می‌کنند. ما خودمان پشت ورزشگاه الهلال یک زمین کشاورزی داشتیم که آنجا بادمجان و سیب زمینی می‌کاشتیم و با آن خرج تیم را می‌دادیم. یادم هست یک بار برای مدت دو ماه تمام در باشگاه پول نبود. با مسافرکشی و آژانس و بلال فروختن زندگی کردیم تا پول رسید. نسل جدید خیلی بی‌تعصب شده است!

حسن کادش: یادش بخیر در تیم الاتفاق که بازی می‌کردیم، تیم‌مان رختکن نداشت. پشت تویوتای ناصر دوخی لباس عوض می‌کردیم، می‌رفتیم داخل زمین. همیشه هم محبوب دل هواداران بودیم. نسل جدید اصلاً تعصب ندارد! همین الان تیم قدیمی ما را با تیمی جدید بازی بیندازید، سه تا کمتر نمی‌زنیم!

ولید الجیزانی: در الاهلی که بودیم یک باریک هوادار ثروتمند نفری یک دانه سکه طلا به همه داد. سکه‌ها را با هم فروختیم و اجاره دفتر، پول آب و برق و حقوق کارکنان باشگاه را با آن پرداخت کردیم. بقیه پول را هم دادیم یکی از بچه‌ها از خارج تلویزیون وارد کرد و فروختیم و با سودش برای فصل بعد تیم لباس و توپ ورزشی و موانع تمرینی خریدیم. الان بازیکن حاضر است لوازم باشگاهش را توقیف کند که دوز را به جیب بزند. من بودم دو سال فوتبال عربستان را تعطیل می‌کردم.

نتیجه اخلاقی: همه جای دنیا پیشکسوت‌های‌شان یکطور حرف می‌زنند یا فقط در خاورمیانه اینطوری است؟

کاریکاتور

حمید سحری

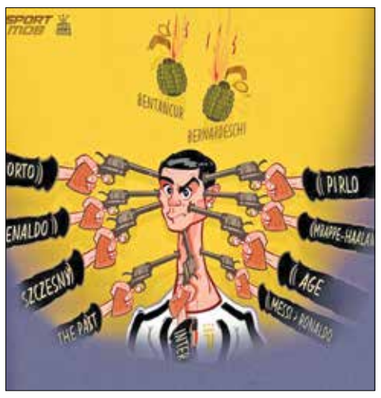

رونالدو هفته پیش فشارهای زیادی را تحمل می‌کرد. حذف زودهنگام یووه از لیگ قهرمانان طبیعی بود که چنین مشکلاتی را در پی داشته باشد. سن او هم بالا رفته و با آمدن ستاره‌های نسل جدید خیلی‌ها حرف از پایان کریس می‌زدند اما او یکشنبه با هت‌تریکش مقابل کالیاری جواب منتقدان را داد.

در چنین روزی

۲۶ اسفند ۱۳۸۲

ماجرای عذرخواهی آنلکا

نیکولا آنلکا بازیکن تیم ملی فوتبال فرانسه که شانزده ماه پیش دعوت حضور در این تیم را رد کرد، روز گذشته از «زک سانتینی» مربی و همه اعضای تیم ملی فوتبال فرانسه رسماً عذرخواهی کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از پاریس، آنلکا در سایت اینترنتی خود به این مطلب اشاره کرده است.

آنلکا نوامبر ۲۰۰۲ برای دیدار تیم‌های فرانسه - یوگسلاوی سابق / صربستان و مونته نگرو/ به تیم دعوت شد اما این دعوت را رد کرد . با کنار گذاشته شدن سیدنی گووو از ترکیب تیم فرانسه، آنلکا دعوت به تیم شد اما این بازیکن گفت که نمی‌خواهد به جای یک بازیکن تعویضی دیگر وارد زمین شود.

بعد از محروم اعلام شدن «جیبریل سیسه» از ۵ دیدار رسمی تیم ملی فرانسه، آنلکا در ماه‌های اخیر بارها با ارسال پیام به تیم ملی فرانسه خواستار عضویت مجدد در تیم شد.

در پاسخ به این تقاضاها، سانتینی عنوان کرد که تنها شرط موافقت با بازگشت آنلکا به تیم ملی عذرخواهی رسمی این بازیکن است.

آنلکا هم در واکنش به این اعلام نظر سانتینی اظهار داشته بود: «سانتینی مقابل من تکبر می‌ورزد و در ابتدا از من می‌خواهد عذرخواهی کنم و سپس خواهد گفت تا ببینم چه تصمیمی خواهم گرفت.»

تک به تک

میعاد تیک

فرهاد و پروژه احیای آرمان

بفرمایید یاغی!

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین اتفاقات چند روز اخیر فوتبال ایران، موضوع پیوستن مهاجم مازاد تیم پرسپولیس به رقیب سنتی سرخ‌ها یعنی استقلال بود. خبر تولد یک یاغی جدید در لیگ برتر همیشه شوک‌کننده و البته جذاب بوده اما ماجرای آرمان رمضانی بیشتر از اینکه نوید جنجال و حاشیه را بدهد، عجیب و البته تنش‌زا جلوه می‌کند. مهاجم مازاد تیم یحیی گل‌محمدی که طی مدت کوتاه حضورش در تیم پرسپولیس هرگز نمایشی در حد و اندازه‌های پیراهن سرخ از خود نشان نداد و زیر بار فشار انتقادات هم دفاعی از خود نداشت، با یک چرخش عجیب و البته مورد بحث راهی اردوگاه رقیب شد تا جدیدترین یاغی فوتبال تهران در نیم‌فصل دوم خودش را برای انتقام در لباس آبی آماده کند. شاید اگر آرمان رمضانی در تیم پرسپولیس شرایط متوسطی داشت و لااقل به تعداد انگشتان یک دست از خود خاطره خوش و عملکرد مثبت برجای گذاشته بود، آن معنا و مفهوم یاغی‌گری باز هم تداعی می‌شد اما پیوستن مهاجمی که طی ۱۰ سال اخیر تنها توانسته ۲۹ بار دروازه رقبا را باز کند، ذهن‌مان را پیش از توجیه این انتقال با مسائل فنی به قدرت ایجنت‌های غیررسمی می‌کشاند. بر کسی پوشیده نیست که مهاجمی با این آمار حتی در حد حضور در تیم‌های لیگ برتری متوسط هم نیست و اصلاً پوشیدن پیراهن یکی از دو تیم بزرگ پایتخت برای تن‌اش بسیار گشاد است اما وقتی پای مسائل مالی در میان باشد و نفوذ دلال‌ها در پیکره باشگاه بالا برود، چنین رخدادی بعید هم نیست.

گفته می‌شد که آرمان رمضانی بیش از این هم در لیست فرهاد مجیدی برای حضور در استقلال بوده اما خروج فرهاد از نیمکت آبی، او را به دیگر تیم تهرانی رسانده. حالا فرهاد مجیدی در راه رسیدن به قهرمانی لیگ برتر، جام حذفی و درخشش در لیگ قهرمانان آسیا باید دلایل این خرید جنجالی‌اش را مشخص کند. مجیدی برای احیای آرمان به چیزی بالاتر از گل‌زنی نیاز دارد؛ به تقویت روحی - روانی یاغی بلندقامت جدید فوتبال ایران.

نفر به نفر

سامان موحدی راد

رمضانی یک خرید سهل و ممتنع

ماجراجویی تازه آرمان

آرمان رمضانی شاید عجیب‌ترین انتقال بین استقلال و پرسپولیس باشد. همیشه انتقال بازیکن از استقلال به پرسپولیس با حواشی و اتفاقات زیادی همراه بود. شاید در سال‌هایی انتقال بازیکنانی چون فرزاد حاتمی یا داود سیدعباسی و میثم بائو که سابقه بازی در هر دو تیم را داشتند و در میان آن به تیم سومی رفتند و از آنجا به استقلال یا پرسپولیس رفتند، کمترین چالش‌ها را ایجاد کرده اما به هر حال انتقال مستقیم همیشه با حاشیه‌هایی همراه بوده به‌ویژه در چند سال اخیر که اختلاف میان استقلال و پرسپولیس به اوج خودش رسیده و سطح بالایی از حساسیت میان هواداران دو تیم موجب شده تا کمتر کسی به فکر چنین ماجراجویی‌هایی بیفتد. با این حال به نظر می‌رسد حکمرانی کرونا بر دنیا و دور کردن تماشاگران از ورزشگاه‌ها موجب شده تا برخی چنین ماجراجویی‌هایی را به جان بخرند. از جمله محمد نادری که در ابتدای فصل مستقیم از پرسپولیس به استقلال آمد و حالا آرمان رمضانی که دومین بازیکنی است که در یک فصل از پرسپولیس به استقلال می‌آید. در این میان وضعیت رمضانی نسبت به نادری هم متفاوت‌تر است. محمد نادری یکی از بازیکنان خوب پرسپولیس بود و آمدنش به استقلال می‌توانست موضوع خوبی برای کل کل هواداران دو تیم باشد اما آرمان رمضانی در شرایطی به استقلال آمد که در پرسپولیس ناکام بود. آن هم در نیم فصلی که پرسپولیسی‌ها بیش از هر وقتی به مهاجم نیاز داشتند و محرومیت آل کثیر این فرصت را در اختیار دیگران قرار داده بود تا خودی نشان دهند اما آرمان رمضانی قدبلند از این فرصت نتوانست استفاده کند تا حضور او در پرسپولیس با خاطرات خوبی برای هواداران همراه نباشد اما در اتفاقی عجیب و در حالی که رقیب سنتی پرسپولیس سه مهاجم تراز اول دارد، آرمان رمضانی از پرسپولیس به استقلال رفت. برای همین موقعیت انتقال او از پرسپولیس به استقلال به شدت متفاوت از سایر نقل و انتقال‌هایی است که در این سال‌ها رخ داده. یک بازیکن متوسط از پرسپولیس به استقلالی رفته که در آن پست نیاز چندانی به او ندارد.

تنها چیزی که می‌تواند شرایط این انتقال را متفاوت کند، درخشش احتمالی رمضانی در این پست است. شانس رسیدن بازی به او در حضور دیاباته، مطهری و قائدی بسیار کم است اما آنطور که فراز کمالوند گفته کادرفنی او را با نگاهی دقیق و فنی خریده است. شاید یکی از دلایل حضور او در استقلال استفاده از ضربه‌های سر او در دقایق پایانی باشد. به هر حال بارها رخ داده که بازی استقلال به بن‌بست خورده و شاید در چنین مواقعی مهاجمی قدبلند که بتواند ارسال‌های بلند را به تور بچسباند برای هر تیمی مفید باشد. به ویژه برای فوتبالی ایرانی که به کشیدن زیر توپ در مواقع حساس و تحت فشار علاقه دارد. برای همین احتمالاً آرمان رمضانی یک مهاجم تعویضی برای استقلال است که شاید بتواند در بسیاری از مواقع گره از کار این تیم باز کند. تنها چیزی که می‌تواند انتقال رمضانی به استقلال را جذاب کند، گلزنی او با پیراهن آبی است؛ اینکه مهاجمی که در پرسپولیس نتوانست خودی نشان دهد در پیراهن رقیب به بازیکن امتیازآوری تبدیل شود.

پرونده

گزارش

سام ستارزاده

دژکوب آبی

نقش جدید آرمان رمضانی در پیراهن جدید

انتقال هر بازیکنی از پرسپولیس به استقلال و یا بالعکس، معمولا در هر شرایطی می‌تواند تیتری باشد که تا هفته‌ها صفحه اول مطبوعات را با خود اشغال کند اما تغییر رنگ غیرمنتظره آرمان رمضانی به این اندازه جنجالی نبود و به‌جای حرارت رسانه‌ای، چند علامت سؤال بزرگ در مورد تفکرات کادرفنی جدید آبی‌های پایتخت ایجاد کرده. مهاجمی که با کارنامه‌ای که حتی در سطح لیگ برترکشورمان برچسب متوسط به آن تعلق می‌گیرد به اردوگاه سرخ قدم گذاشت و همان جمع را بدون گل و پاس گل ترک کرد، تنها با یک توجیه می‌توانند انتخابی برای رقابت با مهدی قائدی و ارسلان مطهری باشد. این توجیه، فیزیک بدنی منحصربه‌فرد اوست.

با قد یک متر و ۸۸ سانتی‌متر، مهاجم رشتی سابق سایپا و پرسپولیس، یکی از بلندقامت‌ترین‌های لیگ در پست خودش است. در چند سال گذشته، مهاجمان متعددی با ویژگی‌ها و سبک بازی مشابه وی از آن سوی مرزها به فوتبال ایران آمدند؛ نظیر کی روش استنلی، شیخ دیاباته، جاناتان بالوتلی و ماکالی کریسانتوس. آخرین این بازیکنان نیز کریستین اوساگونایی بود که برخلاف ذوب‌آهن، در پرسپولیس ندرخشید. اگر قانون نسنجیده منع جذب خارجی‌ها بر فوتبال‌مان سایه نمی‌افکند، یحیی گل‌محمدی نیز به‌جای آرمان رمضانی به‌دنبال یک خارجی باکیفیت‌تر می‌گشت. با این وجود، بهره‌وری از مهاجمی فیزیکی مانند رمضانی در فوتبال ما که تکیه زیادی بر توپ‌های بلند دارد، توجیه‌ناپذیر نیست.

رمضانی در استقلال نیز قرار نیست یک ستاره یا مهره ثابت باشد. می‌توان به او به چشم یک جایگزین برای شیخ دیاباته‌ای نگاه کرد که جدای از مصدومیت‌های متوالی‌اش، مرخصی‌های گاه و بیگاه و عدم دریافت مطالباتش تعداد حضورش در دیدارهای آبی‌پوشان در نیم‌فصل پیش رو را ممکن است محدود کند اما آنچه محتمل‌تر است، این است که روی این مهاجم سروقامت برای بازی‌های داخلی حساب شده که تیم رقیب در لاک دفاعی فرورفته و موفق به گره‌زدن بازی شده و یا شرایط نامطلوب چمن ورزشگاه هر دو طرف را به بازی مستقیم و هوایی وادار کرده.

این جمله فراز کمالوند درباره خرید جدید استقلال، این فرضیه را تقویت می‌کند: «آرمان رمضانی یکسری مهارت‌ها دارد که به درد استقلال می‌خورد. این تیم قرار است هر بازی طبق برنامه‌ریزی و طراحی که داریم با سیستم‌های مختلف مقابل رقبایش قرار گیرد. در نتیجه وقتی قرار است تغییر سیستم داشته باشیم به چنین مهاجمی هم نیازمند می‌شویم. او در بازی‌های خاص می‌تواند به داد استقلال برسد.»

اینگونه که از گمانه‌زنی‌ها پیداست، امین قاسمی‌نژاد و رضا میرزایی نیز از اهداف فرهاد مجیدی برای خط آتش تیمش هستند. با وجود چهار مهاجم طراز اول و البته پدیده‌هایی همچون محمدحسین فلاح و سبحان خاقانی، افزودن سه مهاجم که بازی آنان کاملاً با یکدیگر متفاوت است، به این معناست که مجیدی برنامه‌های تاکتیکی بسیار متنوعی را برای آتش‌افروزی خط حمله آبی‌ها در ذهن دارد. در میان این برنامه‌ها، آرمان رمضانی یک مهره کارامد برای یک نقشه ذخیره است؛ یک دژشکن برای قلعه‌هایی که با دفاع سرسختانه و همه جانبه برای دوام آوردن مقابل پسران آبی در تلاشند. شاید پسر رشتی که این روزها سوژه طنزهای فضای مجازی است، بتواند خود را با تبدیل تساوی‌های استقلال به پیروزی اثبات کند.

با قد یک متر و ۸۸ سانتی‌متر، مهاجم رشتی سابق سایپا و پرسپولیس، یکی از بلندقامت‌ترین‌های لیگ در پست خودش است. رمضانی در استقلال نیز قرار نیست یک ستاره یا مهره ثابت باشد

مجیدی برای احیای آرمان به چیزی بالاتر از گل‌زنی نیاز دارد؛ به تقویت روحی - روانی یاغی بلندقامت جدید فوتبال ایران